



A Comparative Study of the Factors Contributing to Delay in Criminal Proceedings at the Stages of Prosecution, Trial, and Enforcement of Criminal Judgments

Seyed Mohammad Reza Ehsanpour¹, Javad Habibi^{2*}

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 221-228

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-1654-6660

TELL: +989113232336

Email: j.habibi.vakil@gmail.com

Article history:

Received: 17 Mar 2025

Revised: 30 May 2025

Accepted: 03 Aug 2025

Published online: 22 Dec 2025

Keywords:

Prolongation of Proceedings, Criminal Procedure, Prosecution and Investigation, Enforcement of Criminal Judgments, Islamic Criminal Jurisprudence.

ABSTRACT

Prolongation of criminal proceedings is one of the most serious challenges facing criminal justice systems, as it undermines the realization of fair and efficient trial standards. This phenomenon is neither limited to a specific legal system nor to a particular historical period; rather, it arises from a combination of structural, human, and procedural factors throughout different stages of criminal proceedings. This article adopts an analytical–descriptive approach to examine stage-specific causes of delay in the Iranian criminal justice system, focusing on the phases of prosecution and investigation, trial and adjudication, and enforcement of criminal judgments. By distinguishing between general and stage-oriented factors, the study concentrates on deficiencies that uniquely affect each phase of the process. Key causes include the concentration of prosecutorial and investigative powers within the prosecution office, challenges to judicial impartiality, inefficiencies in judicial delegation procedures, irregular attendance of judges, improper scheduling of hearings, and administrative shortcomings in the enforcement stage. The findings indicate that a significant portion of procedural delay stems from structural weaknesses and inadequate performance of judicial and administrative personnel. Such delays conflict with the principles of Islamic criminal jurisprudence, which emphasize prompt dispute resolution and timely justice, thereby highlighting the necessity of structural, managerial, and procedural reforms within the criminal justice system.



This is an open access article under the CC BY license. © 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Ehsanpour, SMR & Habibi, J (2025). "A Comparative Study of the Factors Contributing to Delay in Criminal Proceedings at the Stages of Prosecution, Trial, and Enforcement of Criminal Judgments". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(4): 221-228.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴

بررسی تطبیقی عوامل اطاله دادرسی در مراحل تعقیب، دادرسی و اجرای احکام کیفری

سیدمحمدرضا احسان‌پور^۱، جواد حبیبی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

اطاله دادرسی یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام عدالت کیفری است که تحقق دادرسی منصفانه و کارآمد را با مانع جدی مواجه می‌سازد. این پدیده محدود به نظام حقوقی یا دوره‌های خاص نیست، بلکه متأثر از عوامل متنوع ساختاری، انسانی و اجرایی در مراحل مختلف دادرسی کیفری است. مقاله حاضر با رویکردی تحلیلی - توصیفی، به بررسی عوامل اختصاصی اطاله دادرسی در سه مرحله تعقیب و تحقیق، دادرسی و صدور حکم و اجرای احکام کیفری در نظام قضایی ایران می‌پردازد. در این راستا، ضمن تبیین تمایز میان عوامل مشترک و عوامل مرحله‌محور، تمرکز اصلی بر آسیب‌شناسی نارسایی‌هایی است که به‌طور خاص در هر مرحله موجب طولانی‌شدن فرایند رسیدگی می‌شوند. از جمله مهم‌ترین این عوامل می‌توان به تمرکز وظایف تعقیب و تحقیق در دادسرا، عدم رعایت اصل بی‌طرفی، ضعف در اعطای نیابت قضایی، عدم حضور مستمر برخی قضات، تعیین نادرست اوقات رسیدگی و نارسایی‌های اجرایی در مرحله اجرای احکام اشاره کرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از اطاله دادرسی ناشی از ضعف ساختار قضایی و عملکرد نامناسب عوامل انسانی است؛ امری که با مبانی فقه جزایی درخصوص تسریع در فصل خصومت و تحقق عدالت ناسازگار بوده و مستلزم اصلاحات ساختاری و مدیریتی در نظام دادرسی کیفری است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۲۱-۲۲۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۶۶۶۰-۱۶۵۴-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۱۳۲۳۳۳۳۶

ایمیل: j.habibi.vakil@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹

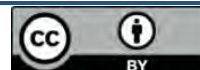
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

اطاله دادرسی، دادرسی کیفری، تعقیب و تحقیق، اجرای احکام کیفری، فقه جزایی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

هستند و در همه مراحل دادرسی به چشم می‌خورد، از جمله ضعف‌های ناشی از ساختار دستگاه قضایی و همچنین عملکرد کارمندان اداری؛ دوم، آن دسته عواملی که مختص به یک مرحله دادرسی بوده و در سایر مراحل مصداق ندارد. برای مقابله مؤثر با اطاله دادرسی لازم است که همه این عوامل چه آن‌هایی که مشترک بین تمامی مراحل و پروسه دادرسی هستند و چه مواردی که به یک مرحله از این پروسه اختصاص دارند، مورد بررسی قرار بگیرند، لیکن نظر به حوزه عنوان این مقاله، صرفاً مورد اخیر مورد تحقیق قرار خواهد گرفت.

قبل از ورود به بحث این نکته لازم به بیان و توضیح است که در اینجا، مرحله تعقیب و تحقیق با هم مورد بررسی قرار می‌گیرند. علی‌الاصول و براساس اصول دادرسی منصفانه مورد تأکید از سوی همه کنوانسیون‌های حقوق بشری، مرحله تعقیب و مرحله تحقیق باید از هم جدا بوده و مقام انجام‌دهنده آن‌ها نیز نباید یک مقام باشد. به‌عنوان مثال این موضوع در همه کشورهای اروپایی، البته در اشکال مختلف مورد رعایت قرار می‌گیرد. در کشوری مثل ایتالیا مرحله تحقیق را قاضی تحقیق انجام می‌دهد (آشوری، ۱۳۸۴: ۳۹) و یا در فرانسه این مرحله برعهده و در حیطه اختیارات مقامی با نام قاضی تحقیق می‌باشد (تدین، ۱۳۸۸: ۸۷)، اما این مسأله تا حدود زیادی در کشور ما رعایت نمی‌شود. به‌عبارت دیگر با اصلاحات سال ۱۳۸۱ در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب که به قانون احیای دادرسی معروف شد، وظیفه تعقیب جرایم که تا آن زمان برعهده رییس حوزه قضایی بود، به دادستان واگذار گردید. دادستان براساس ماده ۳ علاوه بر وظیفه تعقیب، در جرایمی که در صلاحیت دادگاه کیفری استان نیست، شخصاً یا با ارجاع به دادیاران که زیر نظر مستقیم وی فعالیت می‌کنند، می‌تواند وظیفه تحقیق در رابطه با جرایم را نیز به انجام برساند که این همان موضوعی است که رعایت دادرسی منصفانه را در یک نظام حقوقی با ابهام و سؤال مواجه می‌سازد (آشوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳۶)، چراکه دادستان که خود یک طرف از طرفین دعوا است می‌تواند تحقیقات پرونده را که انجام آن نیازمند رعایت بی‌طرفی است را نیز به انجام رساند. از این رو در

دادگستری و اطاله دادرسی تولدی هم‌زمان داشته‌اند. اطاله دادرسی منحصر به یک دوره تاریخی و یک یا چند کشور خاص نبوده است. با توجه به مقتضیات زمان و مکان، اطاله دادرسی بسته به شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... متفاوت بوده است. این عوامل را می‌توان از چند جهت تقسیم‌بندی کرد: مثلاً بسته به این که عوامل اطاله دادرسی در داخل یا خارج حوزه نظام قضایی کشور قرار داشته باشند، می‌توان آن‌ها را به عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تقسیم کرد. طبق این تقسیم‌بندی، معضلات اقتصادی و اجتماعی مانند عدم امنیت سرمایه‌گذاری، تورم و بیکاری که عامل افزایش اختلافات و به تبع آن افزایش دعاوی دادگستری است، از عوامل برون‌سازمانی و پایین‌بودن سطح علمی قضات و مشکلات دایره ابلاغ از عوامل درون‌سازمانی محسوب می‌شود.

بدون شک دستگاه قضایی خود به انحای مختلفی در به تأخیر افتادن رسیدگی به پرونده‌ها نقش به‌سزایی دارد. در این راستا مسلماً نقش یک ساختار سالم و کارآمد حائز اهمیت فراوان است. یک ساختار کارآمد می‌تواند بسیاری از ضعف‌های ناشی از عملکرد افراد را روشن ساخته و راه‌های مقابله با آن را نیز بازگو نماید. متأسفانه در فرایند اداری ایران به‌طور اعم و دستگاه قضایی به‌طور اخص نبود یک ساختار سالم و کارآمد از ضعف‌های عمده به‌شمار می‌آید. توضیح این که حسن انجام امور تا حدود زیادی بسته به عملکرد افراد دستگاه مربوطه دارد. اگر افراد به‌خوبی وظایف و تکالیف خود را انجام دهند، مشکل عمده‌ای پیش نخواهد آمد، اما اگر به‌نحو احسن به وظایف خود نپردازند، در آن صورت ساختار، ناتوان از آن خواهد بود تا بتواند به‌صورت خودکار ضعف‌ها را آشکار و با آن مقابله کند. در دستگاه قضایی ما علی‌رغم آن که تاکنون تلاش‌های زیادی برای اصلاح تشکیلات صورت گرفته است، اما هم ساختار این سیستم دچار نارسایی‌های است و هم عملکرد افراد آن و کارمندان اداری دارای ضعف‌های متعدد است.

این موضوع را می‌توان در دو مبحث بررسی نمود: نخست به عواملی پرداخته شود که همه مراحل دادرسی به آن مبتلا

منطقی و موجهی پرونده‌های واصله از پاسگاه‌ها را دوباره به آن‌ها ارجاع می‌دهند.

علاوه بر این، در این مرحله عدم أخذ تأمین مناسب و متواری شدن متهم نیز می‌تواند عامل دیگری در اطاله دادرسی و به تأخیر افتادن پرونده باشد. انتخاب نوع تأمین و اخذ آن مشمول ضوابطی است که مقام قضایی مربوط می‌بایست مد نظر قرار دهد، از جمله قاعده متناسب بودن تأمین. در این خصوص ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند: ...»

چنانچه قاعده مذکور از سوی مقام صادرکننده قرار تأمین رعایت نشود که چه‌بسا در عمل بسیار اتفاق افتاده، مشکلات عدیده و فراوانی که اطاله دادرسی تنها یکی از نتایج آن می‌تواند باشد، بروز خواهد کرد.

گذشته از همه موارد ذکر شده، از آنجایی که نظام کیفری ما نظام مختلط در دادرسی‌های کیفری حاکم است و بین مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در دادگاه فاصله وجود دارد، تعقیب و تحقیق از متهم به‌عهده دادسرا و تابع خصوصیات نظام تفتیشی می‌باشد. از جمله این خصوصیات، غیرعلنی و سری بودن تحقیقات مقدماتی است.

بسیار مشاهده می‌شود که در جریان تحقیقات، جزئیات و مسائل مربوط به پرونده بر سر زبان‌ها و یا در مطبوعات افتاده و در نتیجه کشف جرم و جمع‌آوری دلایل و نیل به حقیقت را مشکل می‌سازد. عدم رعایت اصل سری بودن، علاوه بر آن که مخالف قانون بوده، باعث متواری شدن متهم و یا تبانی او با شهود و دیگر افراد مرتبط با پرونده و حتی استتکاف شهود از ادای شهادت و اظهار اطلاع می‌شود که هریک به نوبه خود می‌تواند کندشدن روند دادرسی را موجب شده و حتی در صورت رسیدن به نتیجه، اشتباهات مختلفی به دنبال خواهد داشت.

و در نهایت این که در مواردی به جهت خارج از حوزه بودن محل تحقیقات و یا انجام معاینات و اقدامات لازم در مراجع دیگر،

این قسمت دو مرحله تعقیب و تحقیق با هم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

این مقاله طی سه گفتار مورد بحث قرار خواهد گرفت: گفتار اول در مورد عوامل اطاله دادرسی در مرحله تعقیب و تحقیق خواهد بود؛ گفتار دوم آن به عوامل اطاله دادرسی در مرحله دادرسی و صدور حکم اختصاص می‌یابد؛ گفتار سوم آن پیرامون عوامل اطاله دادرسی در مرحله اجرای احکام کیفری خواهد بود

۱- مرحله تعقیب و تحقیق

با تصویب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب به تاریخ ۱۳۸۱/۰۷/۲۸ دوباره نهاد بسیار مفید و ضروری دادسرا بعد از وقفه‌ای ۸ ساله به نظام قضایی کشور بازگشت. ماده ۲۲ الی ۲۶ آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ نیز به بیان حدود صلاحیت و وظایف دادسرا می‌پردازد. این نهاد به تعبیر برخی از حقوق دانان به‌عنوان نهادی قضایی است که حق دادرسی نداشته و وظیفه اصلی آن آماده سازی پرونده و صدور کیفر خواست عمومی جهت تسهیل رسیدگی در دادگاه می‌باشد (آشوری، ۱۳۷۹: ۸۵/۱).

یکی از اهداف احیای دادسراها کم کردن حجم و تراکم کار دادگاه‌ها و علی‌الخصوص سرعت در رسیدگی به پرونده‌ها (آخوندی، ۱۳۷۲: ۵۴/۲) بوده است، اما این هدف زمانی محقق می‌شود که نهاد دادسرا و به‌خصوص قضات متولی انجام تعقیب و تحقیقات مقدماتی به‌نحو احسن به وظایف محوله در کوتاه‌ترین زمان ممکن عمل کنند. در وضعیت کنونی با توجه به این که اکثر کارآموزی که به تازگی وارد صنف قضاوت شده‌اند، در این مرحله به‌کارگیری شده تا با افزون ساختن تجربیات خود و نشان دادن شایستگی خود، در مراحل بعدی به‌کار گرفته شوند، لذا در انجام وظایف محوله دچار مشکلاتی شده و در مواردی به عمد یا سهو منجر به ایجاد مانع در جهت تکمیل تحقیقات و صدور کیفر خواست می‌شوند.

از جمله تعلل و مسامحه در جمع‌آوری ادله له یا علیه متهم و در مواردی غفلت از انجام اعمال مهمی که تأخیر در انجام آن‌ها منجر به از بین رفتن آثار و دلایل جرم و تکمیل تحقیقات می‌شود همچنین در مواردی مشاهده شده که بی‌هیچ دلیل

صورت جلسه ختم رسیدگی، عملاً پرونده‌ها برای مدتی معطل افتاده، در نتیجه طولانی شدن رسیدگی را به دنبال داشته است

۳- عوامل اطاله دادرسی در مرحله اجرای احکام کیفری

در مرحله اجرای احکام کیفری تا مدت‌ها، یکی از مشکلات گریبانگر دادگاه‌ها، انواع دیات مقدر در مواد ق.م.ا ۱۳۹۲ بوده است. در این حکم قانونی که مستند به نظریه مشهور فقها و با اقتباس از متون فقهی بالاخص کتاب تحریرالوسیله امام (ره) وضع شده است و به لحاظ عدم تطبیق با مقتضیات جامعه امروزی از مباحث بحث‌انگیز و معضل‌زای مراجع قضایی بوده است (رفیعی، ۱۳۷۸: ۳۱). در واقع سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد، در خصوص موضوعیت داشتن این موارد شش‌گانه است و این که آیا امکان رجوع به قیمت در صورت عدم حصول تراضی بین اولیای دم و یا مجنی‌علیه با جانی وجود دارد یا خیر؟

با این وجود، دستگاه قضایی غالباً به لحاظ صراحت ماده مذکور و تبصره آن و باتوجه به متون فقهی و فتاوی فقهای عظام، سال‌های متمم‌داری گرایش به موضوعیت داشتن اعیان شش‌گانه و عدم امکان رجوع به قیمت در صورت عدم حصول توافق اصحاب دعوی داشته است. با این وجود اشکالات عدیده‌ای که در این زمینه وجود داشت، بالاخص ترتیب غیراصولی و غیرمنطقی اجرای احکام دیات، سرانجام موجب گردید که مسؤولین قوه قضاییه پس از اخذ فتوی از مقام معظم رهبری، به لحاظ مصالح جامعه اجتماعی با صدور بخشنامه شماره ۱۵/۱۱ وزارت دادگستری در اجرای دستور شماره ۲۴۲۶۳/۴-۱۳۷۲/۱۱۲۷ رییس قوه قضاییه در خصوص تعیین قیمت اعیان احشام، به گرایش مربوطه خاتمه دهد و تا حدود زیادی مشکل نسبی معضل مردم و قوه قضاییه در این زمینه برطرف گردد.

اما از مشکلات دیگر اجرای احکام کیفری که در حال حاضر نیز دادگاه‌ها با آن مواجه هستند، مهلت‌های مقرر در مواد ۴۸۸ و ۴۸۹ ق.م.ا می‌باشد که مهلت‌هایی را برای پرداخت دیه تعیین نموده است، صرف نظر از ریشه‌های وضع این مواد که در اینجا مجال پرداختن به آن‌ها وجود ندارد:

طولانی شده و یا افراد حاضر نشوند و پاسخی واصل نگردد. در این صورت باتوجه به این که دفتر در اوقات احتیاطی پرونده‌هایی را که وقت احتیاطی دارند، به نظر قاضی می‌رساند پرونده‌ها را کد نموده و به جریان می‌افتد (یعقوبی، ۱۳۷۶: ۴۸). علاوه بر وقت رسیدگی و وقت احتیاطی، وقت فوق‌العاده وجود دارد که عبارت از وقتی است که دادگاه بدون تعیین وقت قبلی به موضوع رسیدگی نماید.

با این که تا وصول نظریه کارشناسی یا پاره‌ای اطلاعات دیگر، تعیین وقت احتیاطی ضروری است، لیکن اغلب، وقت رسیدگی مجدد تعیین می‌شود (بیات، ۱۳۸۰: ۱۰۶)، در نتیجه پرونده‌هایی که هنوز معد برای صدور حکم نیست و نیاز به تکمیل تحقیقات یا وصول پاسخ استعلامات دارد، عملاً از جریان نظارتی قاضی خارج گشته و در روز تعیین شده به دلیل ناقص بودن پرونده و نیاز به تکمیل آن، وقت جلسه دادرسی تجدید و باعث اطاله جریان رسیدگی می‌شود.

۲-۳- عدم اعلام ختم رسیدگی

پرونده اعم از کیفری و یا مدنی همین که مسیر طبیعی و قانونی را طی کرد و معد صدور رأی شد، قاضی دیگر مجاز نیست بلاجهت آن را تجدید نماید و یا در صدور رأی تعلل کند. مطابق ماده ۳۷۴ ق.آ.د.ک: «دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعال، با تکیه بر شرف و وجدان و باتوجه به محتویات پرونده و ادله موجود، در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته به انشای رأی مبادرت می‌کند. رأی دادگاه باید مستدل، موجه و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن صادر شده است. تخلف از صدور رأی در مهلت مقرر موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.»

با وجود فاصله یک هفته‌ای در ماده مرقوم که خود باعث می‌شود تا عوامل خارجی در حکم اثر بگذارد و در نتیجه حکم از مسیر راستین خود خارج گردد، با این حال متأسفانه در برخی از پرونده‌ها مشاهده می‌شود، با این که پرونده امر معد برای صدور حکم می‌باشد، قاضی بدون این که نیازی به تحقیقات بیشتر داشته باشد، صریحاً ختم رسیدگی را اعلام نکرده و با عدم

در مرحله اجرای احکام کیفری، ابهام قوانین، به‌ویژه در مجازات‌های با منشأ فقهی مانند دیات و نبود قانون جامع و منسجم در زمینه اجرای احکام کیفری، از اساسی‌ترین عوامل اطلاع دادرسی محسوب می‌شود، به‌گونه‌ای که در برخی موارد، پرونده‌ها پس از قطعیت حکم نیز برای مدت‌های طولانی بالاتکلیف باقی می‌مانند. این وضعیت، با مبانی فقه جزایی که بر تسریع در فصل خصومت، رفع ظلم، و تحقق عدالت تأکید دارد، سازگار نیست.

در مجموع، مقابله مؤثر با اطلاع دادرسی مستلزم نگاهی جامع و مرحله‌محور، اصلاح ساختار قضایی، ارتقای کیفیت عملکرد قضات و کارکنان اداری و بازنگری قانون‌گذار در مقررات شکلی و اجرایی، به‌ویژه در حوزه اجرای احکام کیفری است. تنها در پرتو چنین اصلاحاتی می‌توان به تحقق دادرسی منصفانه و کارآمد در نظام عدالت کیفری امیدوار بود.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: این مقاله مشترکاً توسط با سهم برابر انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- آخوندی، محمود (۱۳۷۲). *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشوری، محمد (۱۳۷۹). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
- آشوری، محمد (۱۳۸۴). *عدالت کیفری (مجموعه مقالات)*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

اولاً با توجه به مقتضیات زمان چه ضرورتی دارد که قانون‌گذار به تعیین چنین مهلت‌هایی مبادرت ورزد، آیا قانون‌گذار نباید به مقتول و خانواده او بیندیشد، چراکه بسیاری از موارد سرپرست و نان‌آور خانواده‌ای جان خود را از داده و به‌جای حمایت فوری و بی‌شائبه قانون از بازماندگان وی که اکثراً زنان و کودکان بی‌پناه هستند، دیه و خون‌بها را که حداقل تشفی خاطر آنان می‌تواند باشد، به تأخیر بیندازد؛ ثانیاً در بسیاری از موارد ملاحظه می‌شود که به‌خاطر کثرت و تراکم کار دادگاه‌ها، عملاً مهلت‌های یادشده افزایش می‌یابد.

علاوه بر موارد یادشده ابهام قوانین کیفری و در بیشتر مجازات‌ها به دلیل سبقه شرعی آن‌ها و این که در شرع برای اجرای آن‌ها نیز مقررات و ضوابطی معین شده است و ابهام‌های متعددی که در رابطه با لزوم رعایت آن‌ها در شرایط کنونی وجود دارد، باعث شده پرونده‌ها، حتی در مواقعی که دادرسی آن به اتمام رسیده تا مدت‌ها در دادسرا و در مرحله اجرای احکام باقی مانده و اطلاع دادرسی را ایجاد نماید که لزوم توجه قانون‌گذار برای تصویب قانونی جامع در زمینه اجرای احکام کیفری به همان شکلی که در امور مدنی وجود دارد را دوچندان می‌سازد.

نتیجه‌گیری

اطلاع دادرسی در نظام عدالت کیفری، پدیده‌ای چندبعدی و ریشه‌دار است که آثار منفی آن نه‌تنها متوجه بزه‌دیدگان و متهمان، بلکه متوجه اعتبار و کارآمدی کل دستگاه قضایی می‌شود. یافته‌های این مقاله نشان داد که اطلاع دادرسی صرفاً معلول عوامل کلی و برون‌سازمانی نیست، بلکه در هر یک از مراحل دادرسی کیفری، عوامل اختصاصی و مرحله‌محوری وجود دارد که به‌طور مستقل یا توأمان موجب طولانی‌شدن فرایند رسیدگی می‌گردد. در مرحله تعقیب و تحقیق، تمرکز وظایف تعقیب و تحقیق در یک مقام، ضعف تجربه برخی قضات، تعلل در جمع‌آوری ادله و عدم اتخاذ تأمین مناسب، از مهم‌ترین عوامل ایجاد تأخیر به‌شمار می‌آیند. در مرحله دادرسی و صدور حکم نیز نارسایی‌هایی همچون تعیین نامناسب اوقات رسیدگی، عدم حضور مستمر قضات، تراکم پرونده‌ها و ضعف مدیریت قضایی، نقش قابل توجهی در اطلاع رسیدگی دارند.

- آشوری، محمد؛ یزدی، عبدالمجید؛ هاشمی، سیدمحمد و بشیریه، حسن (۱۳۸۸). حقوق بشر و مفاهیم انصاف، مساوات و عدالت. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بهرامی، بهرام (۱۳۸۱). آیین دادرسی حقوقی. تهران: روزنامه رسمی کشور.
- بیات، محمدرضا (۱۳۸۰). دادرسی قضات. تهران: انتشارات خط سوم.
- تدین، عباس (۱۳۸۸). ترجمه قانون دادرسی کیفری فرانسه. چاپ اول، انتشارات روزنامه رسمی.
- تیموری، خیرالله (۱۳۷۸). تحقیقی پیرامون علل و عوامل اطلاع دادرسی و راه حل‌ها. قم: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه.
- دلاوری، محمدرضا (۱۳۷۹). علل دادرسی و راهکارهای مقابله با آن. تهران: انتشارات کیهان.
- رفیعی، بهمن (۱۳۷۸). «بررسی وضعیت اجرای احکام دیات». مجله حقوقی دادگستری، ۶۳(۲۷): ۲۷-۵۲.
- یعقوبی، عبدالهاشم (۱۳۷۶). نحوه رسیدگی به جرایم در دادگستری. چاپ دوم، تهران: انتشارات فردوسی.